

نگرش ها و بینش های قرآنی عارف کامل آیت الله العظمی بهجت (ره)

■ سید محمد رضا علاءالدین

قرآن پژوه و استاذ الهنای سطوح حوزه علمیه اصفهان

■ چکیده:

عترت اسباب عزت و اعتلای مسلمانان و جامعه اسلامی را رقم می زند .

■ کلید واژه :

اوصاف قرآن، وظائف ما نسبت به قرآن، برکات و آثار قرآن
■ اوصاف قرآن :

علامه عارف، قرآن کریم را به معدن و منبع رحمت الهی ، آینه ی بهشت و جهنم، موجود حی سامع و بصیر که هادی و حامی است و تیباناً لکل شیئ و شفا است و بی نظیر و بی همتا است و ظاهر و باطن آن هر دو معتبر است و صف نموده اند. فراز هائی که در پی می آید تبیین گر این اوصاف قرآنی است .

قرآن کریم معدن و منبع رحمت الهی است. اگر کتابی بود که عکس اشیاء را نشان می داد، آن کتاب همین قرآن است که بهشت و جهنم را نشان می دهد، با این همه ما این گونه بی تفاوت هستیم و به دنیا دل بسته ایم.

رساندن پیام های آسمانی به دل های پاک و آشکار ساختن آموزه های قرآنی برای مردم ارزشمندترین خدمتی است که در سایه ی آن سایر خدمات ارزش گذاری می شوند و عارف عامل و کامل آیه الله العظمی بهجت (رضوان الله تعالی علیه) از جمله خادمان صدیق مصحف کریم (قرآن مجید) بود که در جای جای نگرش ها و بینش های خود به معرفی و تبیین آموزه های قرآنی پرداخته است. این مقاله در بردارنده فراز هائی از نگرش ها و بینش های قرآنی آیه الله العظمی بهجت (رحمت الله علیه) می باشد که به معرفی قرآن و اوصاف آن پرداخته و آنگاه ، اهمیت حمل و حفظ ، توسل و تمسک و التزام عملی به قرآن را مطرح و سپس برکات و کرامات قرآن در تهذیب و تربیت انسان و حیات آفرینی و امنیت بخشی قرآن کریم را روشن ساخته اند. آنچه در تمامی این فراز ها چشمگیر و مورد تأکید است تفکیک ناپذیری قرآن و عترت و همراهی این دو ثقل عظیم است که در صورت تمسک واقعی به قرآن و

ای کاش ما به تفاوت چیزی بود که ارزش جدا شدن از حق و پیوستن به باطل را داشت .

الموتى باذن الله و أنبئكم بما تأكلون و ما تدخرون فى ميوتكم^۵

نابینا و شخص مبتلا به مرض پیسی را به اذن خدا بهبودی می بخشیم، مردگان را به وسیله ی آن به اذن خدا زنده می کنیم و از آن چه می خورید و در خانه هایتان انداخته می کنید خبر می دهیم.

قرآن در دسترس ما است ولی ما از آن قدردانی نمی کنیم و مانند کسانی که آن را ندارند از محتوای آن بی خبریم. همچنین اهل بیت و عترت (علیهم السلام) را که عدیل قرآن هستند و با قرآن یگانگی و اتحاد دارند و اهانت به قرآن اهانت به آنهاست و بالعکس و هر کس به قرآن نزدیک باشد به عترت مُقرب است و بالعکس .

خداوند در قرآن به حدی بهشت و بهشتیان را در توصیف بالا برده که اگر کسی از شوق شنیدن آن، وفات کند استبعاد ندارد. آیات جهنم نیز این گونه است. قرآن کریم (وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ) ^۱ و گرز های آهنین برای زدن آنها فراهم است. اگر انسان معاصی خود را در نظر بگیرد و بمیرد، مستبعد نیست. قرآن کریم موجودی است که در مراتب مختلفه ی نزول، حکایت از شنیدنی ها و دیدنی ها می کند و عدیل قرآن (عترت) هم حکایت از نعمت های عالم می کند.

ولی ما از غمخوار، هادی، حامی و ناصر های خود قدردانی و شکر گذاری نمی کنیم .

خداوند متعال فرموده است :

ظاهر قرآن و عترت مثل بقیه ی ظواهر اعتبار دارد و حجت است. ظاهر قرآن مثل کتاب ها، و ظاهر عترت مثل سایر انسان ها، ولی در باطن با چیزی های دیگر بسیار تفاوت دارند. قرآن می فرماید:

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةٌ بِهِ الْمَوْتَى ^۲

و اگر کتابی وجود داشته باشد که بتوان به وسیله ی آن کوه ها را سیر نمود و یا زمین را پیمود (طی الارض کرد) و با مردگان سخن گفت همین قرآن است .

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَّ ^۶
بگو: همانا من بشری مثل شما هستم. با این تفاوت که به من وحی می شود .
و نیز می فرماید

وَ أَنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلَى حَكِيمٍ

قطعا قرآن نزد ما، در أم الكتاب (لوح محفوظ) دارای علو مرتبه و استوار است.

جواب (لو) این است که (لکان هذا القرآن) قطعا خود همین قرآن بود و جمله ی (بَلْ لَئِنَّ الْأُمْرَ جَمِيعاً) ^۳ سر رشته ی همه کارها به دست خداست. این نکته اشاره دارد که اعجاز قرآن اختصاص به خوارق عادات مذکور ندارد بلکه تبیاناً لِكُلِّ شَيْءٍ بیانگر هر چیزی است ^۴ اما به چه دلیل این خرق عادات به قرآن منسوب است؟ به دلیل آنکه خود قرآن از قبیل خرق عادات است. اگر قرآن را به صورت واقعی اش ببینیم ، آنگاه معلوم می شود که دست از تریج می شناسیم یا نه ؟ و عترت عدل قرآن به وسیله ی قرآن چنین کارهایی را می کرد

قرآن کتابی نیست که کسی بتواند نظیرش را بیاورد، ببیند و قضاوت کنید. می بیند و میدانند که عاجز از آن هستند و نمی توانند مانند آن را بیاورند ولی باز هم به آن ایمان نمی آورند .

■ وظائف ما نسبت به قرآن :

آیه الله العظمی بهجت از جمله وظائف مسلمانان و مؤمنین را نسبت به قرآن کریم

(وَأَبْرئُ الْأَكْمَةَ وَ الْابْرَهَصَ وَ أَحْيِ

احیاء قرآن، طواف عاشقانه، توسل و تمسک آگاهانه و حفظ و عمل به قرآن کریم دانسته اند. نگرش های داهیانہ ایشان اینچنین است:

وظیفه همه ی ما احیاء قرآن و بهره برداری از آن است کار ما به این جا رسیده که با دانستن قرآن، زیر بار کفار می رویم. خدا لعنت کند کسانی را که کفار را بر بلاد اسلامی و مسلمانان مسلط می کنند. ما مسلمانان با این قرآن کریم که داریم در خانه ها و بلاد خود نشسته ایم و از سوی دیگر دشمنان خود را هم کالعدم حساب کرده ایم. باید مسلمانان را تنبه دهیم که استعمارگران و کفار خیال دارند از هر راهی و به هر وسیله ای که شده قرآن را از دست آنان بگیرند. معروف است که یکی از نمایندگان مجلس عوام انگلیس در حالی که نطق می کرد و قرآن را به دست گرفته بود گفت: تا این کتاب در دست مسلمانان است نمی توانیم بر آنان حکومت کنیم و یکی از سردمداران فرق انحرافی گفته بود که باید مصحف، ناقص شود و به غیر عربی ترجمه گردد و قرار حکومت های دست نشانده در جوامع اسلامی این است یا قرآن در دست مسلمانان نباشد تا بر آنها حکومت کنند یا نظیر تورات و انجیل ترجمه دلخواه گردند و یا آیات برائت از مشرکین و سب و لعن کفار از قرآن اسقاط گردد و فقط آیات مربوط به خداپرستی باقی بماند. گاه هم شنیده می شود که می خواهند آیات منتخبه به جای قرآن چاپ شود تا اینکه کل قرآن در دست ها نباشد. ^۸ (لا یبقی من القرآن الا درسه (رسمه) از قرآن به جز درس آن و یا عکس آن باقی نمی ماند ^۹ البته در این صورت درس قرآن هم نمی ماند، بلکه درس بعض قرآن می ماند، نه تمام قرآن.

استعمارگران و کفار خیال دارند هیئت اجتماعی قرآن را بگیرند و به صورت اجزاء و جزوات به دست مسلمانان بدهند و کم کم آن

اجزاء را هم از دستشان می گیرند یا آیات منتخبه و در نتیجه قرآن ناقص را به دست مردم می دهند، بعد همان را هم به آسانی از دست

آنها می گیرند. ما هم با همه ی بیداری و توطئه های دشمنان در خوابیم، پس کی بیدار می شویم تا ببینیم دشمن علیه ما چه می کند؟

خدا کند در ما عشقی پیدا شود به مجموع قرآن و عترت، تا اولاً بتوانیم یگانگی قرآن و عترت و معجون مرکب از آن دو را بیابیم و ثانیاً در مقام پیروی و عمل، با توجه به آن دو و بر محور آن دو طواف عاشقانه بنماییم و بدانیم که آنها از هر معشوقی بیشتر شایسته ی عشق ورزی هستند. ما اگر جمال روحانی و زیبای قرآن و اهل بیت را ببینیم بر گرد آنها طواف می کنیم. امام کاظم (علیه السلام) فرموده اند: (فی القرآن شفاء من کل داء) در قرآن بهبودی از هر گونه درد و بیماری وجود دارد ^{۱۰} (یستشفى به لکل داء) با قرآن می توان برای بهبودی هر بیماری توسل جست، با توسل به قرآن می توان بلاها و فتنه ها را از خود و جامعه اسلامی بر طرف نمود. توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) و قرآن در تحصیل علم، کسب اخلاص، تهذیب نفس و ترک گناهان به انسان یاری می دهد. دستور قرآن کریم به طور مؤکد این است که (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون) ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه سازید و برای رسیدن به مقام قرب او وسیله بجوئید و در راه او کوشش نمائید باشد که رستگار گردید. ^{۱۱}

با داشتن قرآن و عترت فقری و کمبودی نداریم. سزاوار است با گرسنگی و صبر بر خرده نان هم شده قرآن کریم را تحصیل و تدریس نمائیم و به معارف آن آگاهی پیدا کنیم که (لا

تفنی عجائبه^{۱۲} شگفتی های موجود در آن پایان ناپذیر است. تمسک به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) حیات است، تمسک به امور دیگر حیات انسان را می گیرد و تمسک به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) حیات است. قرآن و عترت با هم متلازمند و ما هم باید به قرآن و عترت متلزم باشیم. اگر کسی یکی را ضایع کند دیگری را هم ضایع کرده است زیرا این دو با هم اتحاد دارند و تفکیک ناپذیر می باشند. چنان که پیامبر اکرم (ص) فرمود: (إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِيلِ كِتَابِ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلِ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ^{۱۳} مِنْ دُوْ حَيْزِ سَنَگِینِ وَ گَرَانِبِهَا دَر مِیَانِ شَمَا بَه یَآدِگَارِ مِی گِدارم. یکی کتاب خدا و دیگری عترت طاهرین. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

هستم. حتی به قصد حفظ هم نخوانده بودم. چنان حافظ قرآن شده ام که آیات قرآن را از میان لابلای خطوط کتب تفاسیر می توانم تشخیص بدهم.

قاعدتاً حفظ قرآن خیلی آسان است و تکرار هم لازم ندارد. قال رسول الله (ص): (سَهْلٌ اللَّهُ حِفْظُهُ لِأُمَّتِهِ،^{۱۵} خِداوند قرآن را بر امت رسول خدا (ص) آسان نموده است، ولی بر ابقاء و نگهداری از آن تکرار لازم است زیرا که فرمود (تعاهدوا هذا القرآن ..) قرآن را تکرار کنید که زود از خاطر می رود. ^{۱۶} البته اگر حافظ قرآن در هر شبانه روز کمتر از یک جزء بخواند، فراموش می کند و خواندن بیش از یک جزء در شبانه روز هم خستگی آور است.

■ برکات و آثار قرآن کریم:

عارف ربانی حضرت آیه الله العظمی بهجت (ره) ضمن طرح کرامات و معجزات قرآن کریم آن را مأمّن مومنان، برنامه ی انسان سازی و کمال آفرینی بر شمرده اند که به طرح این فرازها می پردازیم.

اگر چشم بصیرت داشتیم سخن خدای متعال را که می فرماید: (وَ لَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْاَرْضُ أَوْ كَلِمٌ بِهِ الْمَوْتَى^{۱۷}) قدر می دانستیم، ولی ما هم چنان نشسته ایم و هوای نفس بر ما غالب گشته که این کرامات و معجزات قرآن را مانند دور و تسلسل محال می دانیم

آقائی را بنده دیده بودم که به برکات چند آیه قرآن هر میوه ای را که می خواست هر چند در غیر آن فصل، حاضر می ساخت. بالاترین انعام الهی و هدیه آسمانی و غیبی، همین قرآن است اما چگونه باید با آن رفتار کنیم تا بتوانیم از آن بهره مند شویم. در احوالات پدر مرحوم شیخ

اگر به قرآن عمل می کردیم، دیگران را به اسلام و قرآن جذب می نمودیم، زیرا قرآن جامع کمالات همه ی انبیاء اولوالعزم (علیهم السلام) است. چند صحیفه برای حضرت آدم (ع) و چند صحیفه برای حضرت شیث (ع) نازل شده و صحف ابراهیم و موسی و سایر انبیاء و همه ی آنها در قرآن جمعند ولی ما از آن غافلیم.

خدا می داند حفظ قرآن چقدر در استفاده از این معدن و منبع رحمت الهی مدخلیت دارد. آیا از این بالاتر می شود تعبیر کرد که: مَنْ حَتَمَ (قَرَأَ) يَحِظُ الْقُرْآنَ، كَأَنَّمَا أُدْرِجَتِ النَّبُوهُ بَيْنَ جَنبَيْهِ وَ لَا يَكُنْهُ لَا يُوحَى إِلَيْهِ^{۱۸}) هر کس قرآن را ختم کند (قرائت کند یا حفظ نماید) گوئی که نبوت در وجود او گنجانده شده است با این تفاوت که به او وحی نمی شود. یعنی قرآن، غایت کمال غیر انبیاء (ع) را به او می رساند. ما آن گونه که باید و شاید از قرآن استفاده نمی کنیم. شخصی از قرآن مأنوسان می گفت: در عرض دو یا سه ماه، دو ختم یا سه بار به صورت عادی قرآن را ختم نمودم و دیدم که حافظ کل قرآن

پیامبری نائل می گردند .
 بنابراین ، قرآن پیغمبرانی
 کمالی تربیت می کند
 و پیغمبر ساز است .
 البته اگر انسان اهلیت
 داشته باشد، در و دیوار
 هم به اذن خدا معلم او خواهند بود ، و گرنه
 هیچ سخنی در او اثر نخواهد کرد . چنان که
 سخنان پیغمبر اکرم (ص) در ابو جهل اثر نکرد
 و شاگردان قرآن و پیغمبر (ص) بعد از رحلت آن
 حضرت چه فتنه ها که به پا نکردند.

خدا می داند قرآن برای اهل ایمان ،
 مخصوصاً اگر اهل علم باشند ، چه معجزه ها و
 کراماتی دارد و چه چیزهایی از آن خواهند دید
 . برنامه ی قرآن آخرین برنامه ی انسان سازی
 است که در اختیار ما گذاشته شده است ، ولی
 ما از آن قدردانی نمی کنیم . اهل تسنن و ما
 (قرآن و عترت) را آن گونه که باید ، نشناختیم
 و قدر ندانستیم .

جعفر شوشتری(ره)آورده اند که پسر نابینائی را
 نزد ایشان آوردند ، ایشان هم دست روی چشم
 بچه گذاشتند و مشغول خواندن سوره حمد شده
 بودند مقداری که خوانده بودند بچه گفته بود
 بابا از میان انگستان آقا می بینم و وقتی که
 حمد تمام شده بود ، همه جا و همه چیز را
 کاملاً دیده بود . عده ای از افراد سطحی نگر
 در محضر علامه ملا خلیل قزوینی(ره)بودند و
 سوال کردند که قضیه ی حضرت داوود (ع) که
 خداوند در قرآن می فرماید (و اَلنَّا لَه الْحَدِید)
 آهن را برای او نرم نمودیم ^{۱۸} این بوده که
 خداوند نحوه ی ساختن کوره ی آهنگری و
 ذوب آهن را به حضرت داوود(ع)الهام نمود تا
 او آهن را در کوره ی آتش بگزارد تا ملایم و
 انعطاف پذیر باشد. مرحوم قزوینی فرمود: او که
 پیغمبر خدا بود و شما بعید می دانید که آهن
 در دست او نرم و به اختیار او باشد . این که
 چیزی نیست از بنده هم که پیغمبر نیستیم این
 کار ساخته است ، سپس یک مجمعه یا سینی
 از مس را که در برابرش بود با دو انگشت مثل
 قیچی از وسط دو نیم کرد و فرمود : این گونه
 خداوند متعال آهن را در دست حضرت داوود (ع)
 نرم و ملایم نموده بود .

اگر جلوی خود را در ارتکاب معاصی نگیریم
 ، حالمان به انکار و تکذیب و استهزاء آیات
 الهی قرآن می رسد ، هادی ، مصلح و مامن و
 پناهگاه ما قرآن و عدیل آن عترت هستند ولی
 ما در فکر مامن نیستیم و با این که در حال
 نزول هستیم ، قاصد صعودیم و از خود راضی و
 گرفتار معاصی و کوچک شمردن آن ها و عدم
 استغفار از آن ها هستیم.

قرآن کریم کتابی است که پیغمبر ساز است
 . زیرا پیغمبران دو گونه اند . قسم اول : پیامبرانی
 هستند که از جانب خداوند به پیامبری تعیین
 شده اند ، قسم دوم پیغمبرانی کمالی ، که در
 اثر ایمان و عمل به دستورات قرآن ، به کمالات

این نوشت :

- ۱- سوره حج ، آیه ۲۱
- ۲- سوره رعد ، آیه ۳۱
- ۳- سوره رعد ، آیه ۳۱
- ۴- سوره نحل ، آیه ۸۹
- ۵- سوره آل عمران ، آیه ۴۹
- ۶- سوره کهف ، آیه ۱۱۰
- ۷- سوره زخرف ، آیه ۴
- ۸- مراجعه شود به کتاب خاطرات مستر همفر
 مجلسی ، محمد باقر ، بحار الاتوار ، ج ۲۲ ، ص ۴۵۲
- ۱۰- نوری ، میرزا حسین ، مستدرک الوسائل ،
 بیروت ، موسسه آل بیت ، ج ۲ ص ۹۸
- ۱۱- سوره مائده ، آیه ۲۵
- ۱۲- عیده ، شرح و ترجمه نهج البلاغه : ج ۱ ،
 ص ۵۵
- ۱۳- ابن جنبل ، احمد ، مسند احمد ، بیروت ،
 دار صادر ، ج ۲ ص ۱۴
- ۱۴- کلینی ، محمد بن یعقوب ، الکافی (اصوا
 کافی) ، تهران ، دارالکتاب الاسلامیه ، ج ۲
 ص ۶۰۴
- ۱۵- طبرسی ، فضل بن حسن ، مجمع
 البیان فی تفسیر القرآن ، بیروت ، دار المعرفه
 ج ۱ ص ۲۶
- ۱۶- هبشی ، حافظ نور الدین علی ، مجمع
 الزوائد و منبع الفوائد ، بیروت ، دارالکتاب
 ج ۷ ص ۱۶۹
- ۱۷- سوره رعد ، آیه ۳۱
- ۱۸- سوره سبا ، آیه ۱۰



شپوهنځي ښوونځي ښوونځي
پرتال جامع علوم انساني